



نوشته از ع. بصیر دهراد



به مناسبت روز بین المللی زبان مادری

اداره یونسکو ملل متحد از سال 2000 م. بدینسو همه ساله 21 فبروری را بحیث روز جهانی زبان مادری تجلیل مینماید. از نظراین سازمان ، اهمیت تجلیل از روز زبان مادری در آن است که زبان یکی از فکتور های حفظ میراث های فرهنگی در جوامع اند که در آنها کثرت زبان ، کلتوررنگین و تعدد گروه های متنوع اتنیکی وجود دارند. البته با تنوع ارزشهای معنوی در زبان و کلتور، همه افتخارات را با زبان های مادری میتوان حفظ نمود.

از لحاظ تاریخی 21 فبروری بحیث روز بین المللی زبان مادری ، یاد بود ژمبارزات و استقامت بنگالی زبانهای پاکستان (بخش سابق پاکستان شرقی و بنگالدیش کنونی) است که در سال 1952 م. در جریان تظاهرات تعدادزیاد محصلان دانشگاهی کشته شدند. خواست مظاهره چیان این بود که بایدزبان بنگالی بحیث ششمین زبان بزرگ در جهان برسمیت شناخته شود.

اتنولیکت مفهوم یا بیان تنوع زبانهاست که درین مردمان گروه های اتنیکی زبان گفتاری، تبادل احساس و پیام انسان با انسان با اشارات معین و کلمات و جملات مانند ضرب المثل و گفتار های عامیانه و رابطه اجتماعی صورت میگردد.

زبان مادری جنبه های سنتی جامعه یعنی شیوه رفتار ، عادات و باورهای سنتی یک گروه اتنیکی را در قالب کلمات یا مفاهیم عامیانه بیان مینماید که در واقعیت داشته های تاریخی و میراث فرهنگی اند که از نسل ها بیکدیگر انتقال نموده اند.

موضوع زبان مادری را نباید تنها بحیث یک مسأله ذوقی و یا با کلمات زیبا متبارز ساخت و یا بحیث یک وسیله سیاسی از آن بهره گیری نمود، بلکه آنرا بحیث یک حق داشتن ارزش تاریخی، حق طبیعی، حق اجتماعی، حق اساسی بشری و حق سیاسی به بحث ، تحلیل و نتیجه گیری گرفت و مسئولانه بدان برخورد نمود. همچنان باید اهمیت موضوع را در روی دیگر مسأله نیز مورد توجه قرار داد و آن این است که:

- یک طفل حق دارد تا به هیچ محدودیت آموزش و میدان مکالمه با همان زبانان مادری اش مواجه نگردد.

زبان مادری وسیله تبارز و تبادل احساسات درونی با فرد و جامعه است که متعلق به همان جامعه و گروه اتنیکی بوده خود با همزبانان خود تبادل ، مفاهیم ، معانی ، رابطه و احساس مینماید.

- زبان مادری مقدمترین ، کراترین و موثرترین وسیله رشد ذکاوت ، استعداد و انکشاف مغزی فرد است.

- زبان مادری وسیله شناخت کلتور ، فرهنگ و سائر بخش های روان اجتماعی است که فرد در آن به انکشاف جسمی و روانی خویش نایل گردیده است.

- زبان مادری بحدی بخشی از روان اجتماعی تعیین کننده بخشی از کوکتر اجتماعی فرد میباشد.

- زبان مادری وسیله حفظ و تداوم رسوم ، عنعنات و افتخارات تاریخی یک گروه اتنیکی است.

- بلاخره زبان مادری بخشی از هویت و اتکای روانی فرد در اجتماعی است که از زاویه همان هویت و ارزش اجتماعی اش داخل ارتباط اجتماعی میشود و در آن مناسبات خود را روان مصئون احساس مینماید.

پس زبان مادری عبرت از وسیله شناخت و هوک اولین پدیده ها و مفاهیم اند که انسان از طفولیت و قبل از آموزش مکتبی آنها را فرا میگردد ، بدان فکر میکند ، تصورات اش را شکل میدهد و تبارز احساسات در رابطه اجتماعی مینماید.

انسان وقتی از عمق قلب میخندد که یک شوخی و یا بذله را در ذهنش هوک کرده ، نتیجه گیری کند و احساس درونی اش را بدان پیوند دهد ، وقتی متأثر میشود که حرف و یا احساس طرف مقابل و یا یک حادثه را در ذهنش و به همان زبان مادری که فرا گرفته است ، در قالب زبان و احساسات بیان مینماید.

یک مثال روشن ، هوک و هدف یک فکاهی ، یک ضرب المثل و یا یک کنایه طرف مقابل را وقتی دقیق هوک نموده عکس العمل نشان میدهید که آنها را به همان زبان و احساس اولین تان در ذهن تان ترجمه مینمائید.

یک اصل مهم در آن است که هر فردی خود را در جمع همزبانان با کلتور ، عادات و سایر پدیده های روان اجتماعی در بیشترین مصئونیت روانی توأم با ارزش هویتی در میابد و خود را در روان و احساسات اجتماع حل شده تلقی نموده یک بخشی از آرامی روحی را بدست میآورد و با همه انسانهای هموند زبان و روان از لذت روانی بهره مند میشوند. من خودم و ممکن همه آنانکه در جوامع بیگانه زنده گی میکنند ، ایضا بیشتر هوک کنند. روی همین دلیل اکثرن بیگانه ها در کشور بیگانه ، و زبان بیگانه ، بیگانه باقی میمانند. به بیان دیگر آنها با جامعه و جامعه با آنها بیگانه باقی میمانند.

شما این مثال را مرتبط به اقوام کشور خود هم با وضاحت دیده و هوک میداشته باشید که جوشیدن روانی و زبانی دو هموطن از شمال و جنوب و یا دو قوم متفاوت با زبان و عادات و سنت های و گفتار های عامیانه مسلط متفاوت خیلی هازمانگیر میباشد.

در بسیاری از اسناد حقوقی بین المللی حق آموزش به زبان مادری برای اقلیت های اتنیکی ، مانند ماده 3 و 27 اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق زبانی ، بندهای ۳ و ۲۷ ، ۴ ، ماده 30 کنوانسیون 1998 حمایت حقوق طفل ، ماده ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ... مورد تاکید قرار گرفته است.

ولی سوال در این است که موضوع حرمت و تمکین بر حق داشتن و آموزش به زبانهای مادری در افغانستان چگونه است؟

در قانون اساسی افغانستان ، مواد 14 و 16 موضوع اقوام یا گروه های اتنیک کشور را بازبان های مروج کشور بیان نموده است و مکلفیت های دولت در قبال آنها نسبی توضیح شده است ولی زبانهای محلی که اطفال در آن دوره قبل از مدرسه و دوره تحصیلات ابتدائی را بحیث یک حق سپری نمایند، بحیث زبانهای سوم برسمیت شناخته است. در ماده 43 این قانون تنها امکانات تعلیم و تربیه به زبانهای مادری را تذکر داده است ولی بحیث یک حق داشتن امکانات تعلیم و تربیه ابتدائی بزبان مادری را مکلفیت دولت ندانسته همچنان مکلفیت دولت در حفظ و تداوم زبانهای مادری روشن نشده است. کاربرد زبان مادری بحیث زبان سوم در قانون اساسی کاربرد دقیق به نظر نمیرسد. بلکه با حفظ جایگاه معنوی و ارزش تاریخی و فرهنگی یک زبان مادری / محلی از زبانهای رسمی میتوان حرف بعمل آورد.

میرهن است که در کشور کثیر القومی وباموجودیت بیشتر از 15 قوم بازبانهای مختلف ، موجودیت زبان های محلی و مادری این مردمان بخشی از تریخ ، کلتور و فرهنگ پر غنا و افتخار آمیز ملی ما را تشکیل میدهند . لرجگذاری، حرمت و پذیرش حق حفظ، تداوم و انکشاف زبان های مادری خود بیان داشتن احساس ملی و اندیشه فراقومی و فرازبانی، ملت مشترک، کلتور مشترک و وجوه ملی مشترک ما میباشد. پذیرش ارزش های متذکره تنها در فکر و اندیشه ملی، داشتن غرور و افتخار ملی تبلور کرده میتواند.

این همان افتخار و غرور است که با هوگونه تمایل و تبارزتفوق و تبعیض در برابر زبانهای دیگر در تقابل و تضاد قرار دارد و در نهایت اصل و معیار انتخاب تمکین و احترام، وسعت نگری و روشنگری در برابر تریک اندیشی، جهل و بی فرهنگی میباشد.

خجسته و پر لج باد روز بین المللی زبان مادری!